«روز بلوا» صاحب پوستر شد

پوستر فیلم سینمایی «روز بلوا» به کارگردانی بهروز شعیبی منتشر شد.
به گزارش روابط‌عمومی فیلم، پوستر فیلم سینمایی روز بلوا به کارگردانی بهروز شعیبی و تهیه کنندگی محمدرضا تخت‌کشیان با تصویری از بابك حمیدیان رونمایی شد.
طراحی این پوستر برعهده خانه طراحان انقلاب اسلامی بوده است. اولین نمایش تازه‌ترین اثر بهروز شعیبی در سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر است.
بابك حمیدیان، لیلا زارع، محمد علیمحمدی، مسعود دلخواه، زکیه بهبهانی، پاشا جمالی، محمد اسکندفر، ساغر قناعت و داریوش ارجمند بازیگران اصلی تازه‌ترین اثر بهروز شعیبی است.
در خلاصه داستان این فیلم سینمایی آمده است: «عماد استاد دانشگاهی خوشنام و یك چهره تلویزیونی مورد توجه است، او ناگهان با اتهام‌هایی جدی مواجه می‌شود که خود و خانواده‌اش را در موقعیت پیچیده‌ای قرار می‌دهد.»

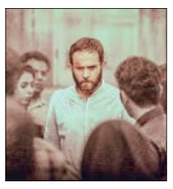

عنوان فیلم «مهدی عراقی را بکش!»، جذاب و سینمایی است و جلب توجه می‌کند. ظاهرا اسم پیشنهادی بهروز افخمی است که خودش هم یکی از مصاحبه‌شونده‌های فیلم شماست. لطفا کمی درباره این عنوان توضیح دهید و این‌که به نظر شما چقدر روی جذب و کنجکاوی مخاطبان تاثیر دارد؟

بله، این اسم را آقای افخمی پیشنهاد داد. در واقع خودش سال‌ها پیش می‌خواست فیلمی بسازد درباره حاج‌مهدی عراقی که نشد. اسم آن فیلم ناتمامش را داد به ما. من هم فکر می‌کنم عنوان جذابی است و فیلم را جلو می‌برد. مهدی عراقی شخصیت دوست‌داشتنی و موثری است که زندگی‌اش پر از قصه‌های جور واجور است. شوخ‌طبع است و روحیات پهلوانی دارد. از وقتی فیلم شروع می‌شود با این آدم همدلی پیدا می‌کنیم و از او خوش‌مان می‌آید. این‌که از همان ابتدا این جمله «او را بکش» توی گوش‌مان است به نظرم تضادی ایجاد می‌کند که می‌تواند جذاب باشد.

عنوان فیلم، انگار دستوری از سرکرده گروه فرقان، اکبر گودرزی خطاب به غلامرضا یوسفی عامل ترور حاج‌مهدی عراقی و پسرش حسام عراقی است؛ در فیلم، به یوسفی هم می‌پردازید و این‌که چه پیشینه‌ای داشت و در آن روز به‌خصوص (۴ شهریور ۱۳۵۸) چه احوالاتی داشت و بعدش چه کرد و احیانا چطور دستگیر شد و...؟ اصلا این شخص برایتان کنجکاوی برانگیز بود و نیاز دیدید اطلاعاتی در فیلم، درباره‌اش بدهید یا نه؟

در واقع این جمله، دستوری است که معلوم نیست از جانب چه کسی صادر شده است. گودرزی و فرقان عملیات ترور را انجام دادند اما معلوم نیست آنها از کجا خط می‌گرفتند. ترورهای فرقان برای امثال گودرزی زیادی هوشمندانه است! و راستش به‌تنهایی از آدم‌هایی مثل او بر نمی‌آید. فیلم ما با این ابهام تمام می‌شود که چه کسی به این جمع‌بندی رسید که حاج مهدی عراقی باید حذف شود؟ سازمان مجاهدین؟ نمی‌دانیم. شاید. ببینید، فیلم ما درباره خود حاج مهدی بود. می‌خواستیم به خودش نزدیك شویم، بنابراین ورود به مسائلی مثل جزئیات ترور ما را از روایتمان از حاج مهدی دور می‌کرد و با این‌که در تحقیقات و مصاحبه‌هایمان حرف‌هایی درباره یوسفی، گودرزی و فرقان داشتیم اما کنارشان گذاشتیم تا از خود مهدی عراقی دورمان نکند.

گودرزی، در یکی از جلسات دادگاه گفته بود که هدف ترور در آن روز، حسین مهدیان بود و نه حاج مهدی عراقی و حسام و... دیگر اعضای فرقان هم که در ترور مشارکت داشتند، در جلسات دادگاه گفته بودند که هدف اصلی، مهدیان بود اما دیگرانی چون حاج مهدی عراقی چون پاسدار و همراه مهدیان بودند، مورد هدف قرار گرفتند! چقدر این ادعاها به واقعیت نزدیك است و اصلا شما در تحقیقات، به چنین چیزی رسیدید یا نه؟

البته حاج مهدی پاسدار مهدیان نبود. حاج مهدی خودش پاسدار داشت! پاسدارش هم پسرش حسام بود که در همان روز به شهادت رسید. پاسدار آقای مهدیان جوان ۱۷- ۱۶ ساله‌ای بود که در روز ترور کاری از دستش برنمی‌آید و کمترین آسیب را می‌بیند. بله درست است. خود عوامل فرقان می‌گویند ما آن روز برای زدن مهدیان آمدیم ولی حاج مهدی را که می‌بینند او و پسرش را هم به رگبار می‌بندند. برای شکار آهو آمده بودند ولی شیر شکار کردند.

برای ساخت این فیلم، با چه چالش‌هایی روبرو بودید؟ دعوت و مجاب کردن از برخی شخصیت‌هایی که در فیلم، طرف مصاحبه قرار گرفتند، کار سختی نبود؟ آیا در میان این افراد، کسانی بودند که حاضر به مصاحبه نبودند و به سختی مجاب شدند؟

روایت ما بر مبنای خاطرات شفاهی پیش می‌رفت و بزرگ‌ترین چالش‌مان متقاعد کردن آدم‌ها برای انجام مصاحبه بود. هر کدام ملاحظات خودشان را داشتند و اغلب، تجربه‌های ناخوشایندی از مصاحبه‌های قبلی‌شان داشتند. برای بعضی‌هایشان تا چند ماه پیگیری کردیم تا راضی شوند همکاری کنند.

احیانا افرادی را مدنظر داشتید که حاضر نشدند در فیلم باشند؟

بله، چند نفری بودند که زورمان به آنها نرسید، راضی نشدند یا در نهایت بدقولی کردند و نیامدند. از این موارد هم داشتیم.

از خانواده شهید عراقی با چه کسانی مصاحبه کردید؟

از خانواده ایشان با همسر و فرزند ارشدشان گفت‌وگو کردیم. امیر عراقی خیلی کمك‌مان کرد در طول این ۱۶- ۱۵ ماه.

بعد از تحقیقات مفصل و ساخت این فیلم، شناخت و تعریفتان از شخصیت حاج مهدی عراقی چیست؟

حاج مهدی آدم بزرگی است. روح بزرگی دارد. خیلی از کسانی که حاضر نیستند کنار هم زیر یك سقف بنشینند، زیر سایه حاج مهدی جمع می‌شوند. دوره زندانش را ببینید. با همه نشست و برخاست دارد. همه حرفش را می‌خوانند، حتی دشمنش. راستش درك این وجه از شخصیت او برای خود من دشوار بود، تا زمانی‌که متوجه حاج قاسم سلیمانی شدم. نقش مهدی عراقی در مواجهه با سلایق و جریانات سیاسی شباهت عجیبی به روحیه حاج قاسم دارد. نگاه هر دو به تحولات کشور یك نگاه «ملی» است. اگر بخواهم برای کسی که زمینه‌ای ندارد از حاج مهدی عراقی حرف بزنم از حاج قاسم سلیمانی شروع می‌کنم.

در سینمای ایران بندرت پیش می‌آید که یك فیلم، به منبع مهمی درباره یك شخصیت تاریخی تبدیل شود و وقتی صحبت از آن شخص بشود، به آن فیلم هم ارجاع بدهند. به نظر می‌رسد درباره «مهدی عراقی را بکش» این اتفاق افتاده و وقتی صحبت از حاج مهدی عراقی می‌شود، می‌توان فیلم شما را هم برای شناخت بهتر این شخصیت پیشنهاد داد. اساسا چقدر فیلم و به ویژه مستند، می‌تواند چنین کارکرد مرجع واری داشته باشد؟

ما تلاشمان را کرده ایم. امیدوارم این اتفاقی که می‌گویید افتاده باشد. سعی کردیم همه کسانی که ممکن است وجهی از شخصیت حاج مهدی را برایمان روشن کنند، ببینیم و پای صحبتشان بنشینیم. از کارگرش در کوره‌پزخانه تا خانواده و هم‌بندی‌هایش در زندان. سعی کردیم قضاوتی از پیش، درباره مهدی عراقی نداشته باشیم و تصویر واقعی و دقیقی از او ارائه کنیم. روایت ما بر مبنای خاطرات شفاهی پیش می‌رود. همه مصاحبه‌شوندگان دارند خاطرات و مشاهدات دست اول خودشان را ارائه می‌دهند. از این جهت می‌تواند منبعی برای تحقیقات بعدی باشد. ولی زمان فیلم ما یك ساعت و نیم است! و در نهایت محصولی است که برای مخاطب عام ساخته شده؛ البته مخاطبی که مساله تاریخ معاصر دارد و علاقه‌مند پیگیری این مباحث هم هست. می‌خواهم بگویم در نهایت فیلم، جای کتاب و تحقیقات مکتوب و شفاهی را نمی‌گیرد. هر کدام کارکرد خودشان را دارند. البته این تصمیم را هم داریم که متن همه مصاحبه‌ها را در قالب یك کتاب منتشر کنیم، چون حدود ۴۰ ساعت گفت‌وگو است.

در فیلم، سراغ چه بخش‌هایی از زندگی حاج مهدی عراقی رفتید؟

زندگی‌اش را به چهار دوره تقسیم کردیم که هر کدام شد یك فصل از فیلم. فصل اول از ابتدای شروع مبارزات در دهه ۲۰ با فداییان اسلام و جدایی‌اش از نواب صفوی تا آشنایی با حضرت امام (ره). فصل دوم از عاشورای ۴۲ تا ترور حسنعلی منصور و دستگیری. فصل سوم از محاکمه و دوران طولانی زندان تا جشن سپاس و آزادی و فصل چهارم از آزادی و حضور در نوفل‌لوشاتو تا شهادت.

نظرتان درباره نگاه حذفی و سلبی تروریست‌ها و جریان تروریسم چیست؟ موضوعی که هنوز در کشور ما قربانی می‌گیرد، مثل همین مورد اخیر اقدام تروریستی آمریکایی‌ها که منجر به شهادت سردار سلیمانی و برخی همراهانش شد.

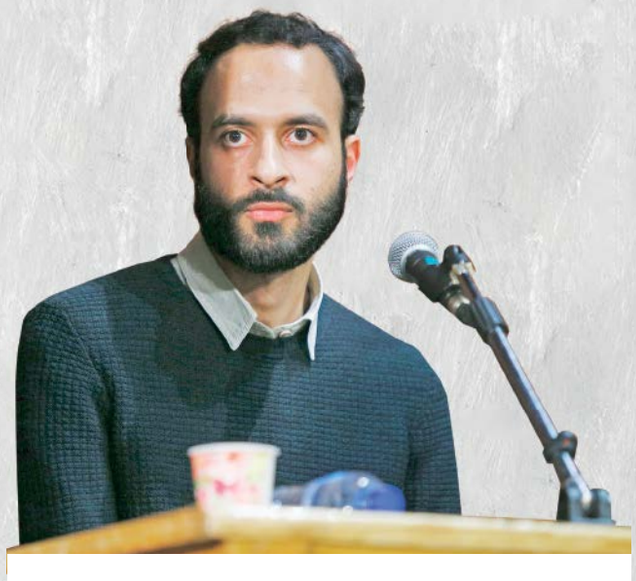

ترور در نهایت کاری از پیش نمی‌برد، جبهه مقابل را متحدتر می‌کند. برای همین هم هست که امام (ره) در هیچ‌یك از ادوار مبارزه مطلقا با ترور نظر موافق نداشتند. حتی در همین فقره ترور حسنعلی منصور هم ببینید که چه اتفاقی افتاد. خط دولت همان خط ماند. همه فعالان مبارزه را گرفتند و عملا در حرکت انقلاب وقفه ایجاد شد.

قصه نسخه تلویزیونی فیلم چیست و چه زمانی پخش خواهد شد؟

نسخه تلویزیونی‌مان در چهار قسمت تولید شده و همین ساختمان نسخه سینمایی را دارد. هر فصل نسخه سینمایی‌مان یك قسمت از نسخه تلویزیونی است، با کمی تغییرات البته. عنوان دیگری هم برایش گذاشته‌ایم که مناسبت بیشتری با مخاطب و فضای تلویزیون داشته باشد. شهریور ماه زمان مناسبی برای پخش آن نسخه است، سالگرد شهادت حاج مهدی. تا چه شود.

دلیل کاهش زمان فیلم از ۱۰۴ دقیقه به ۹۶ دقیقه نسبت به جشنواره سینما حقیقت چه بود؟

از مجموع نظرات و واکنش‌هایی که در نمایش‌هایمان در ایام جشنواره سینما حقیقت گرفتیم به این جمع‌بندی رسیدیم که اگر زمان فیلم را کوتاه‌تر کنیم بهتر است. البته از قصه‌ها و روایت اصلی فیلم چیزی حذف نکردیم. کمی شرح و تفصیلاتش را کوتاه کردیم.

آیا فیلم‌های مستند در جشنواره فیلم فجر که معمولا توجهات به سمت تازه‌ترین فیلم‌های سینمایی داستانی است، خوب دیده می‌شوند؟

به نظرم با توجه به تعداد محدودشان و این‌که نمایش‌شان در کنار فیلم‌های داستانی است، بله، دیده می‌شوند.

نظرتان درباره این‌که امسال فیلم‌های مستند را در آخرین سئانس پردیس ملت (سینمای رسانه) نمایش می‌دهند، چیست؟

بهتر از سئانس اول است!

احتمال موفقیت فیلم در بخش مسابقه مستند و دریافت سیمرغ بلورین را چقدر می‌دانید؟

ما فیلم‌مان را ساخته‌ایم و تا اینجا پیش آمده‌ایم. من همه ۹ فیلم دیگر را ندیده‌ام. فیلم اولم هم هست و برآورد دقیقی از فضای جشنواره ندارم. ولی با این حال این داوران هستند که باید ببینند و انتخاب کنند. انتخاب با آنهاست.

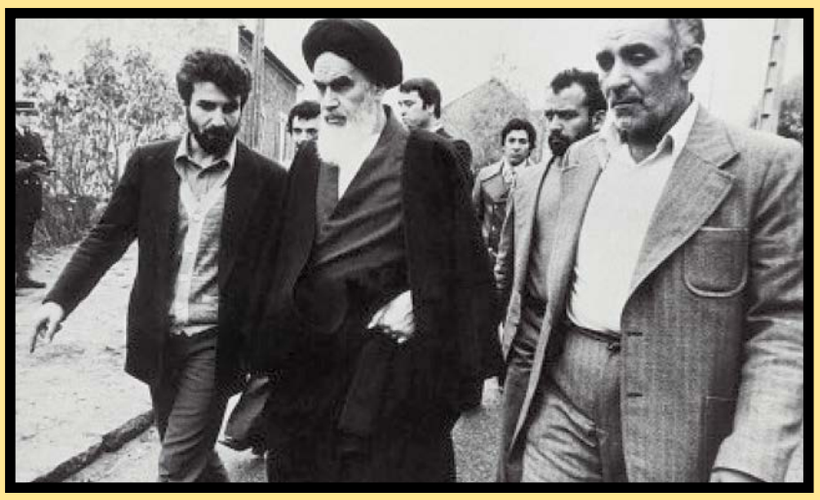

ذره‌بین

عالیجناب

...یان روایت تاریخ
...ت؛ لایه اول فیلم
...ك خیابان است
...ز ثقل فرهنگ و
...رعمق این اثر، با
...که خیابان تجدد و
...یابانی که عمرش
...می‌رسد....

سجاد ایمانی در فیلم عالیجناب داستان زندگی قهرمان ملی بوکس کشورمان را نمایش می‌دهد که برای درمان نازایی و نداشتن شغل دچار بحران و فروپاشی شده و برای ساختن این فیلم دو ماه همراه با این قهرمان زندگی کرده است. برای تهیه‌کنندگی این فیلم رضا دانش‌پژوه در کنار ایمانی بوده و او را یاری کرده است.

مهدی عراقی را بکش

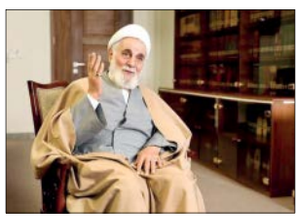

این فیلم شب گذشته در جشنواره فیلم فجر اکران شد و امروز گفت‌وگویی درباره آن در همین صفحه داریم. محض مقدمه‌چینی بد نیست بدانید مهدی عراقی فعالیت سیاسی‌اش را با فدائیان اسلام شروع کرد، به امام خمینی(ره) پیوست و در شهریور ۵۸ توسط گروهك فرقان ترور شد.

قصه دختران فروغ

زندگی دختران بدپرست در خانه کودك و نوجوان فروغ محبت مشهد به کارگردانی خاطره حناچی، از آنجا آغاز می‌شود که این دختران از یك زوج شکایت می‌کنند؛ زوجی که برای زمان طولانی، آنها را پدر و مادر خودشان می‌دانستند. حناچی پیش از کارگردانی این اثر تجربه ساخت مستندهایی با موضوعات مشابه را داشته است.

کامی

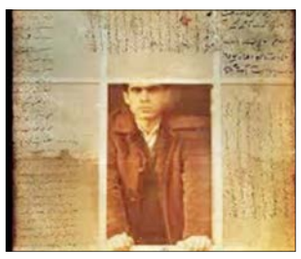

این فیلم را میترا ابراهیمی کارگردانی کرده و پیمان قاسم‌خانی تهیه‌کنندگی آن را برعهده داشته است. ماجرای فیلم هم درباره کامیار شاپور است؛ تنها فرزند فروغ فرخزاد که زندگی عجیب و دشواری پشت سر گذاشت. او به معنی واقعی تنها بود.

جایی برای فرشته‌ها نیست

سام کلانتری به عنوان کارگردان و محمد شکیبانیا که از تهیه‌کنندگان باسابقه مستند است، دست در دست هم اثری ساخته‌اند که اولین بار در جشنواره حقیقت به نمایش درآمد و کلی عنوان و جایزه به دست آورد و درباره تیم ملی‌هاکی زنان است.

زندگی میان پرچم‌های جنگی

حضور داعش در افغانستان محسن اطلام‌زاده را به خلق این فیلم مستند واداشت. او کنجکاوی‌هایش را دنبال کرد، به افغانستان رفت، با محلی‌ها صحبت کرد و در ادامه مستند تنها میان طالبان فیلمی ساخت که زندگی مردم افغانستان را در میانه جنگ‌ها روایت کند.

یادداشت

رفتیم سینیما

داش منوچ

جام‌جمی مقیم جشنواره فیلم فجر

آقا شوما که غربه نیسین! پارسال که تقی به توقی خورد وگذر دآش‌تون خورد به سینما و فیلم و این صوبتا و دوباره همون تقّه به توقّه خورد و صوبتای داش منوچ تو روزنومه چاپیده شد، ننه منوچ تو مخیله‌ش هم جا نیمی‌شد که روزنومه‌چی‌های جام‌جمی واسه بساط فیلم و تیاتر امسال هم بیان پا به رکاب خوش‌رکاب داش‌تون بشن که الا و بلا بیا و این ۱۰ روز جشنواره رو سرویس رفتن و دنده چاق کردن شب و روز وسط چاك جاده رو بی‌خیالی طی کن و برو سینیما و واسه روزنومه مطلب بینیویس!
الغرض که داش منوچ هم کاپوت قرمز جیگری خوش‌رکاب‌شو ماچ کرد و سپردش به غلام لَوَرده که جون غلام و جون خوش‌رکاب وخودش هم سرتیر پرید تو خطی‌های شوش - راه‌آهن و از اونجام با اتوبوس‌های خطی راه‌آهن - تجریش راهی سینما ملت شد که این ۱۰ روز جشنواره رو لابلای سینمایی‌ها فر بخوره و واسه شوماها راپورت روزانه برفسته! الغرض که این شوما و این داش منوچ‌تون که به نیابت از شوماها فرتی در اومده وسط جماعت سینماچی و آپارتچی. خولاصه که کم و کسری از مطالب داش‌تون دیدین به بزرگواری خوتّون قلم عفو بکشید.
آهانده تا یادم نرفته اینم بگم که راست و حسینی‌شو بخواید ننه منوچ با این قرقره‌جات سینمایی ما خیلی حال نیمی‌کنه! خلاصه که مام دلمون نیومد راست‌شو بهش بگیم و رفتیم تو پیچوندن. ننه منوچ فکر می‌کونه دآش‌تون رفته پی ریفیق‌بازی و یللی تللی. ما حاضر طوق این بدنومی رو به گردن بندازیم بلکه روی یرو بچ بامعرفت فرهنگی جام‌جم رو زیمین نندا‌خته باشیم. ریفیق‌شرمنده‌سازی تو ذات داش‌منوچ نیست. حالام اینا رو قرقره کردیم که بیگیم از امروز با ذاغورات سینمایی ما اینجا چاپیده میشه و شومام مرام بذارید و پا به پامون بیاید. ایشالا که خیر باشه. به قول حاج کاظم آژانس شیشه‌ای من ازتون فقط یه یا علی میخوام. آقا از اتاق فرمون دارن واسه دآش‌تون چش و چال میان که فیلم داره شروع میشه بپر تو سالن!

خبر

داور عصر جدید در رادیو

برنامه رادیویی «سودای سیمرغ» همچون سال‌های گذشته به تهیه‌کنندگی محمدجواد طالبی و با اجرا و سردبیری امیرعباس صباغ از روز شنبه ۱۲ بهمن تا روز دوشنبه ۲۱ بهمن هر شب از ساعت ۲۰ تا ۲۱ به صورت زنده از رادیو گفت‌وگو پخش می‌شود.
به گزارش مهر، «سودای سیمرغ» در چهار بخش ابتدا به گفت‌وگو با عوامل فیلم‌ها از کارگردان و تهیه‌کننده تا بازیگران پرداخته سپس در قسمت دوم به بررسی اتفاقات و حواشی جشنواره و مرور اخبار رسانه‌ها می‌پردازد و بعد از آن با حضور منتقدان و کارشناسان سینمایی به نقد و بررسی فیلم‌های به نمایش درآمده می‌پردازد.
در بخش پایانی نیز با حضور سیدبشیر حسینی داور مسابقه «عصرجدید» به عنوان کارشناس ثابت برنامه به تحلیل فیلم‌های جشنواره از نگاه سواد رسانه‌ای می‌پردازد.

جا مانده‌ها به خط

به گزارش جام‌جم، مسعود نجفی مدیر روابط عمومی جشنواره فیلم فجر در برنامه «نقد سینما» با اجرای بهروز افخمی حضور داشت و درباره سینمای اهالی رسانه گفت: امسال برای اولین بار قرار است در سینمای اهالی رسانه برای فیلم‌ها تکرار داشته باشیم. زمانی که فیلم‌ها در سینمای اهالی رسانه پخش می‌شد برخی از دوستان به علت پوشش نشست‌ها و فعالیت‌های رسانه‌ای، نمی‌توانستند فیلم‌ها را ببینند، امسال همکارانی که دیدن فیلم‌ها را از دست می‌دهند می‌توانند در روز بعد، در سالن‌های جدید پردیس ملت فیلم‌های روز قبل را به صورت بازپخش ببینند که این فیلم‌ها، به ترتیب پخش شده از سئانس آخر به اول روز قبل، روی پرده خواهند رفت.
او در این برنامه همچنین گفت: امسال قرار است در سینمای ایران مال برای نابینایان، ناشنوایان و معلولین فیلم‌های منتخب را در سه سئانس جداگانه به نمایش بگذاریم.